

وضعیت آموزش زنان در جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: میترا کاوه مریان

مقدمه

خداوند متعال، دانایان را با نادانان، برابر نمی داند و پیامبر گرامی اسلام «که درود خدا بر او باد» بر اساس تعالیم دین، طلب علم را بر هر زن و مرد مسلمان، واجب، اعلام فرموده و جستجوی علم و دانش را عامل جلب محبت و رضای پروردگار شمرده است. آموختن، راهی بسوی شناخت پدیده ها و زیباییها و نزدیک شدن انسان به پروردگار جهان است. ما می گوئیم هر که بیشتر بداند دین ما را بهتر می فهمد و درک زیباییها با آموزه های دینی، سهل تر است. هر چه علم انسان بیشتر شود با وسعت نظر بیشتری، حکمتهای دین را درک می کند و از تعالیم و دستورات دین در زندگی روزمره خود بهره می گیرد. زنان مسلمان با پیروی از دخت گرامی پیامبر اسلام و دختران و شاگردان ایشان، سلسله علمی خود را تاکنون تداوم بخشیده و زنان عالمه بیشماري را به جهان علم و معرفت و تقوا عرضه نموده اند. به شهادت منابع تاریخی، گاه علودرجات علمی و معنوی زنان مسلمان، پیشتازی آنان را در کلیه عرصه های علمی زمان خود بدنبال داشته است.

در کشور ایران نیز قبل و بعد از ظهور اسلام، آموزش زنان، تداوم داشته است. در تاریخ معاصر، اولین دبستان دخترانه ایرانی، در سال ۱۲۸۵ شمسی (مقدان ۱۹۰۶ میلادی) به همت خانم صفیه یزدی همسر مجتهد طراز اول دوران مشروطیت، شیخ محمد حسین یزدی تاسیس شد. نام این مدرسه عفتیه و تعداد دانش آموزان آن ۶۶ نفر بود که ۱۶ نفر از آنان به طور رایگان به تحصیل مشغول بوده اند.

انقلاب اسلامی ایران، شتاب بیشتری به علم آموزی زنان داد. به نحوی که در حال حاضر در عرصه های مختلف علمی، دختران و زنان، پا به پای مردان و گاهی جلوتر از آنها قله های رفیع دانش را فتح می کنند. همچنین به موازات کسب مدارج علمی، نقش خانوادگی خود را به عنوان همسر و مادر، به نحو شایسته ای ایفا می نمایند. آنان دریافته اند که اولاً آگاهی مادران، نقش تعیین کننده ای در بهره وری ملی (nation productivity) دارد. و ثانیاً تلاشهای تربیتی آنان، در دراز مدت آثار خود را برای تداوم بخشی و بقای هویت فرهنگی، ملی و دینی جامعه بر جای خواهد گذاشت.

در عصر حاضر دنیا به این باور رسیده است که زنان، کارگردانان توسعه اندو توانمندسازی آنان، نقش موثری در کارکرد ارکان دیگر توسعه انسانی دارد. آموزش نیز رکن اساسی توانمندسازی زنان است. برقراری عدالت آموزشی، می تواند با سرعت و منطق بالاتری رشد زنان را تضمین کند.

با گسترش تکنولوژی های آموزشی و تحصیل و اشتغال زنان در مراکز آموزشی مجازی (E.learning) می توان در مسیر تحقق عدالت آموزشی گامهای بلندتری برداشت. پیشرفت ساختارهای آموزشی و شغلی، کارکردهای جدیدی را برای افزایش علم آموزی و مشارکت بیشتر زنان در فرآیند آموزشهای عمومی و تخصصی پدید خواهد آورد.

عدالت آموزشی

معیار توانمند سازی زنان (gender empowerment measure) و برابری جنسیتی (gender inequality in education) شاخص از شاخصهای توسعه انسانی کشورها است که در گزارشهای سالانه سازمان ملل متحد، با کمیته عددی بیان می شود و کشورها در قالب این اعداد با هم مقایسه می شوند. سطح آموزش زنان، در محاسبه هر دو شاخص، دخالت دارد. هدف از مقایسه در کاربرد این شاخصها، نشان دادن فاصله زنان از مردان جوامع در برخورداری از امکانات توسعه انسانی است. به این معنی که دولتها مقصود اصلی آموزش و توانمند سازی زنان را برابری آنان با مردان قرار داده اند.

مفهوم تازه ای که ما با استفاده از آموزه های دین اسلام مطرح می کنیم، "عدالت جنسیتی" است. بنابراین ما معیار "عدالت آموزشی" را جایگزین مفاهیم "برابری جنسیتی" و "توانمند سازی" زنان در سطح بین الملل پیشنهاد می کنیم و آمادگی داریم که شاخص های مربوط به آنرا به صورت کمی، جهت مقایسه وضعیت زنان جهان با هم، معرفی نماییم. عدالت

جنسیتی به معنی مشابهت یا برابری زنان با مردان نیست. بلکه هدف از آن، فراهم آوردن شرایطی است که زنان و مردان، به حداکثر رشد بایسته (لایق) خود در هر زمینه برسند.

عدالت جنسیتی در مورد آموزش زنان، شامل رشد آگاهیهای عمومی آنان و نیل آنان به حداکثر سواد و دانش متناسب با ظرفیتها و سطوح مختلف استعدادهای زنان، همچنین ایجاد تعامل میان انواع نقشهای فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان است، بی آنکه لازم باشد ضرورتاً در این مسیر با مردان مقایسه شوند. به این ترتیب ریشه کن کردن بی سوادی زنان و پرورش استعدادهای آنان در طی نمودن سطوح مختلف آموزشی، عدالت جنسیتی را به همراه می آورد. بر این اساس، کاهش نابرابری جنسیتی زنان با مردان، مرحله ای از مراحل نیل به عدالت جنسیتی است. در چارچوب منابعی که دولتها برای رشد و ارتقای مردان و زنان جامعه مصروف می دارند، عدالت آموزشی، یعنی اینکه همه زنان و همه مردان، متناسب با ظرفیتهای انسانی خود، در مظان بهره مندی از امکانات آموزشی قرار گیرند، به مراتب عالی علمی برسند و از دانش و معرفت، سهم داشته باشند.

در نوشتار حاضر به ارائه برخی از اقدامات انجام یافته و پیشرفت های بدست آمده در جمهوری اسلامی ایران، در زمینه های مختلف سوادآموزی، آموزش عمومی و آموزش عالی زنان پرداخته می شود.

سواد آموزی

از زمانی که انسان در روی کره زمین خلق شده، آموزش زنان مورد عنایت پروردگار بوده است. آدم ابوالبشر (ع) که پیامبر خدا بود، حوا را از خداوند خواستگاری کرد و خداوند امر فرمود که آدم (ع) معلم دین (آموزشهای مربوط به شناخت دین و دین داری) را به حوا بیاموزد. و به این ترتیب اولین هدیه زنان ساکن کره زمین، آموزش و دانایی بوده است. آموزش سواد به اعضای خانواده و فراهم کردن شرایط آن از مهمترین مسئولیتهای مردان «بعنوان سرپرستان خانواده ها» بوده و خداوند جاهل نگه داشتن زن و فرزند را گناه بزرگی برای مردان می شمارد. در جهان معاصر، سوادآموزی عموم مردم به عنوان مهمترین بخش آموزشهای غیررسمی، مورد توجه و اهتمام کشورها قرار گرفته است.

بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر ارتباط جمعی یکی از اهداف اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین در قانون برنامه چهارم توسعه کشور، تدوین و اجرای طرح راهبردی سوادآموزی با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی، زیستی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور و با رویکرد جلب مشارکتهای مردمی و سازمان های غیردولتی، پیش بینی شده است، بطوریکه تا پایان برنامه چهارم توسعه (۲۰۰۹ میلادی)، باسوادی افراد زیر ۳۰ سال بطور کامل، تحقق پیدا کند.

اهتمام ما برای ریشه کن کردن بی سوادی، بر اساس فرمان حضرت امام خمینی «رهبر کبیر انقلاب اسلامی» بوده است. ایشان در اولین ماههای پیروزی انقلاب فرمود: "لازم است تمام بی سوادان برای یادگیری و تمام خواهان و برادران باسواد برای یاد دادن بپا خیزند"

در راستای اجرای این فرمان طبق آخرین آمار مربوط به سرشماری سال ۱۳۸۵ در جمهوری اسلامی ایران، توزیع نسبی زنان با سواد نسبت به جمعیت زنان بالای ۶ سال، ۸۰/۳۴ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به سه دهه گذشته ۴۴/۸۶ درصد افزایش داشته است. توزیع نسبی زنان با سواد نسبت به کل با سوادان کشور در سال ۱۳۸۵، ۴۶/۶۸ درصد برآورد شده است که این رقم طی سه دهه گذشته ۱۰/۳۴ درصد افزایش داشته است.

در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آموزش رسمی افراد واجب التعلیم، برای ریشه کن کردن بی سوادی در شهرها و بویژه در روستاها، سوادآموزی در دو مرحله صورت می گیرد، مرحله اول شامل آموزش اساسی خواندن و نوشتن و حساب کردن است و مرحله بعد آموزش حرفه ای و شغلی، که به آن "سوادآموزی تابعی" گفته می شود. در سوادآموزی تابعی، سواد از طریق آموزش مهارتهای مورد نیاز ساکنین مناطق مختلف به مردم آموخته می شود.

این امر توسط نهادهای بنام نهضت سوادآموزی در سطح کل کشور به اجرا درمی آید. براساس آخرین آمار منتشره از سوی نهضت سوادآموزی، تعداد سوادآموزان زن در سال ۱۳۸۵، ۱۱۴۹۵۲۴ نفر بوده است که این رقم نسبت به سال ۱۳۷۵،

۲۶/۵۳ درصد افزایش و نسبت به سال ۱۳۶۵، ۷۵/۵۸ درصد افزایش داشته است. توزیع نسبی سواد آموزان زن نسبت به کل سوادآموزان در سال ۱۳۸۵، ۸۵/۶۵ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به دو دهه گذشته ۱۸/۸۱ درصد افزایش داشته است. (همان)

شایان ذکر است از سال ۱۳۱۵ شمسی که اولین کلاسهای اکابر در ایران دایر شد، بزرگسالانی که در این کلاسها شرکت می کردند تنها مردان بودند و در سالهای بعد نیز رشد سواد در میان زنان، به کندی صورت می گرفت.

این در حالی است که در سالهای اخیر فعالیتهای نهضت سوادآموزی ایران چندین برابر افزایش یافته است و همانگونه که سوادآموزان زن گرایش بیشتری به سوادآموزی داشته اند، درصد بیشتری از آموزشیاران نهضت سوادآموزی را نیز زنان تشکیل می دهند.

تعداد آموزشیاران زن نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۸۵، ۴۱۸۷۶ نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به دو دهه گذشته ۷۱/۴ درصد افزایش داشته است.

توزیع نسبی آموزشیاران زن نهضت سوادآموزی نسبت به کل آموزشیاران در سال ۱۳۸۵، ۷۲/۸۴ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به دو دهه گذشته ۱۹/۸۷ درصد افزایش داشته است. (همان)

ارائه «طرح خواندن با خانواده» در سال ۱۳۸۲، موجب شد که نهضت سوادآموزی ایران، جایزه بین المللی آیسکو را به خود اختصاص دهد. در این سال از مجموع سوادآموزان خانواده های ایرانی، ۸۴ درصد را زنان تشکیل می دادند که درصد قبول شدگان زن در دوره منتهی به سال مذکور، به ۸۰ درصد بالغ گردید. در سال ۱۳۸۴، ۸۶/۲ درصد زن، تحت پوشش سوادآموزی قرار داشتند که از این عده ۸۷ درصد مدرک قبولی در کلیه دوره ها را دریافت نموده اند. در این سال ۴۶۲ نفر از سوادآموزان نهضت سوادآموزی به دانشگاه راه یافته و تا سطح دکتری حرفه ای پیش رفته اند که از این تعداد، ۳۴۷ نفر زن و ۱۱۵ نفر مرد هستند.

دوره های آموزش عمومی و متوسطه

بر اساس مفاد قانون اساسی ایران، دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (اعم از زن و مرد) تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد. همچنین رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در کلیه زمینه ها ضروری شناخته شده است و برای تحقق این امر تلاشهای زیادی می شود. همچنین در اجرای اصل سیزدهم قانون اساسی، آموزش تعلیمات دینی اقلیتهای دینی، بر طبق آیین خود، آزاد می باشد.

در اجرای برنامه آموزش برای همه، دولت موظف شده است به منظور دسترسی به فرصتهای برابر آموزشی به خصوص در مناطق کمتر توسعه یافته، گسترش دانش، مهارت و ارتقای بهره وری سرمایه های انسانی به ویژه برای دختران اقدامات مقتضی را به انجام برساند. فراهم کردن امکانات مناسب برای رفع محرومیت آموزشی از طریق گسترش مدارس شبانه روزی، روستا مرکزی و خوابگاه های مرکزی، آموزش از راه دور و رسانه ای و تامین تغذیه، آمدوشد و بهداشت دانش آموزان و سایر هزینه های مربوط به مدارس شبانه روزی و نیز ایجاد و گسترش اماکن و فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی به تناسب جنسیت و تهیه و اجرای برنامه های لازم برای گسترش آموزش پیش دبستانی و آمادگی به ویژه در مناطق دوزبانه (که علاوه بر فارسی به زبان بومی منطقه خود تکلم می کنند)، در قانون برنامه چهارم توسعه مورد تاکید قرار گرفته است.

اجباری کردن آموزش تا پایان دوره راهنمایی به تناسب تامین امکانات و بتدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می کند، یکی از مقاصد برنامه چهارم توسعه است که باید تا پایان مدت برنامه چهارم، تحقق پیدا کند.

در ماده ۵۳ این قانون، دولت موظف شده است به منظور هماهنگی امر سیاستگذاری آموزش فنی و حرفه ای اعم از رسمی و غیررسمی شامل آموزشهای کاردانی و علمی کاربردی و آموزشهای فنی و حرفه ای کوتاه مدت و آموزشهای ضمن

خدمت کارکنان دولت و مدیریت حرفه ای تخصصی، ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه ای به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت وزرای آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی، کشاورزی و جهاد سازندگی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و رئیس مرکز امور زنان و خانواده تشکیل دهد. تصمیمات این ستاد پس از تایید هیات وزیران برای کلیه وزارتخانه ها و شوراهای در امور مذکور لازم الاجرا خواهد بود.

مشارکت فعال زنان در آموزشهای ضمن خدمت کارکنان دولت و تقویت مهارتهای آنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فناوری و توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار و ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان، نکات دیگری است که در اجرای قانون برنامه توسعه، پیگیری می شود و درصد معینی از بودجه های سنواتی وزارتخانه ها به آنها تخصیص پیدا می کند.

گزارش های رسمی وزارت آموزش و پرورش و تحقیقات و بررسی های آماری نشان می دهد که زنان در آموزش و پرورش بیشترین مشارکت و مسئولیت را دارند، نقش زنان در عرصه آموزش به عنوان معلمان، مربیان و راهنمایان نسل های آینده بسیار بارز است. این امر ایجاب می کند که تربیت و آموزش زنان از اولویت ویژه ای برخوردار باشند. همچنین زمینه های لازم برای ارتقای سطح دانش، مهارت و تجربیات آنان، متناسب با شرایط و مسئولیت های مختلفی که در آموزش و پرورش بر عهده دارند و یا با آن مواجه هستند، فراهم گردد تا بتوانند به نحو مطلوبی مسئولیت های خود را به انجام رسانند.

از سوی دیگر نیمی از دانش آموزانی که در نظام آموزشی کشور به تحصیل اشتغال دارند دختر هستند که می بایست آموزش و تربیت آنان از اولویت و توجه خاصی برخوردار باشد. زیرا نه تنها آموزش همگانی و تعلیمات فردی نوعی حقوق انسانی تلقی می شود، بلکه یکی از مسئولیتهای مدیریت جامعه است که به این گروه از ساختار جمعیتی توجه ویژه ای مبذول دارد. بنابراین توجه بیشتر به آموزش و پرورش زنان به لحاظ نقش های خانوادگی و ضرورت های اجتماعی برای مدیریت جامعه، واقعیتی اجتناب ناپذیر می باشد. زیرا که از این طریق است که رشد سطح فرهنگ، معرفت، بینش سیاسی و اجتماعی جامعه امکان پذیر می گردد. بنابراین می توان گفت که گسترش و جذب و اجاب التعلیمان دختر نه تنها گامی به سوی عدالت آموزشی محسوب می شود بلکه این امر سهم بسزایی در افزایش کارایی و سرمایه اجتماعی داشته و عامل مؤثر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می شود.

مقاطع تحصیلی رسمی، عمومی و متوسطه در کشور ما، شامل دوره های آمادگی، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه عمومی و پیش دانشگاهی، دانشسرا و تربیت معلم است. آمادگی، یکسال پیش از آغاز دوره دبستان را در برمی گیرد. دوره ابتدایی، ۵ سال، دوره راهنمایی تحصیلی، ۳ سال و دوره متوسطه عمومی هم ۳ سال طول می کشد که رشته های تحصیلی نظری، فنی و حرفه ای و کار - دانش را شامل می شود. داوطلبان ورود به دانشگاه، بعد از اتمام دوره متوسطه عمومی، یکسال، دوره پیش دانشگاهی را طی می کنند. دانشسرا و مراکز تربیت معلم، تحت پوشش وزارت آموزش و پرورش، مدرس تربیت می کند.

روند تحولات شاخص های کمی مربوط به دانش آموزان دختر در آموزش و پرورش

زنان و دختران در جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف آموزشی بویژه پس از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی، پیشرفتهای زیادی داشته اند. جدول آخرین آمار آموزشی زنان ایران به شرح زیر است:

سال تحصیلی	درصد دختران	تعداد دختران	دوره آموزشی
۱۳۸۵ - ۸۶	۵/۵۱	۲۸۴۵۸۳	آمادگی
۱۳۸۵ - ۸۶	۴/۴۸	۲۸۱۸۲۹۰	ابتدایی
۱۳۸۵ - ۸۶	۷/۴۶	۱۸۳۷۷۶۷	راهنمایی تحصیلی

متوسطه عمومي	۱۸۰۵۳۸۰	۸/۴۸	۱۳۸۵ - ۸۶
پيش دانشگاهي	۲۶۵۵۳۴	۴/۶۹	۱۳۸۵ - ۸۶
دانشسراو تربيت معلم	۵۸۹۴	۱/۴۳	۱۳۸۵ - ۸۶

توزيع نسبي دانش آموزان دختر جمعاً در کليه مقاطع نسبت به کل دانش آموزان در سال تحصيلي ۱۳۸۵-۸۶، ۴۸/۵۶ درصد برآورد شده است، که اين رقم نسبت به سه دهه گذشته ۱۰/۷۶ درصد افزايش داشته است.

تعداد دختران دانش آموز در کليه مقاطع در سال تحصيلي ۱۳۸۵-۸۶، ۷۲۴۳۲۵۷ نفر گزارش شده است. توزيع نسبي دانش آموزان دختر نسبت به جمعيت زنان بين ۶ تا ۲۰ ساله در سال تحصيلي ۱۳۸۵-۸۶، ۸/۶۷ درصد برآورد شده است که اين رقم نسبت به سال تحصيلي ۱۳۷۵-۷۶، ۴/۵۹ درصد کاهش و نسبت به سه دهه گذشته ۲۴/۷ درصد افزايش داشته است.

لازم به ذکر است کاهش تعداد دانش آموزان در دهه اخير بيانگر کنترل جمعيت بوده است و از آنجا که کنترل تعداد مواليد در دهه ماقبل آن محقق شده بود، لذا بطور طبيعي کاهش تعداد جمعيت دانش آموزان در دهه بعد از آن بوقوع پيوسته است.

پيشرفت تحصيلي دختران و پسران در اين دوره يکسان نبوده و طي تحقيقي که انجام شده در فاصله سالهاي تحصيلي ۷۱-۷۰ لغايت ۷۸-۷۷، طول تحصيل فارغ التحصيلان دوره ابتدائي براي پسران، ۵/۲۹ و براي دختران، ۵/۱۷ سال محاسبه شده است. به اين معني که تحصيل ابتدائي پسران در اين دوره، هزينه اي بيش از دختران در برداشته است.

مطابق مطالعات انجام شده طول تحصيل در دوره هشت ساله آموزش عمومي، براي پسران، ۸/۶ و براي دختران ۸/۳۲ سال و هزينه تحصيل دختران در کل اين دوره ها کمتر بوده است. (همان)

تا سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ که دوره پيش دانشگاهي اجرا شد، طول دوره متوسطه عمومي، ۴ سال بود. از اين سال براي سهولت ورود فارغ التحصيلان دبیرستانی به بازار کار و تعديل تعداد داوطلبان ورود به دانشگاهها، دوره متوسطه عمومي به ۳ سال کاهش يافت و يکسال، دوره پيش دانشگاهي براي داوطلبان ورود به دانشگاهها اختصاص پيدا کرد.

براي بررسي تغييرات نسبت دختران در دوره متوسطه، به تفکيک رشته هاي تحصيلي بايد گفته شود که دوره دبیرستان، داراي يک سال آموزش عمومي در پایه اول است و پس از آن دانش آموزان در رشته هاي علوم رياضي، علوم تجربي، علوم انساني، فني و حرفه اي و کار و دانش وارد شده و دو سال تا پايان دوره متوسطه در اين گرايشها به تحصيل مي پردازند. نسبت دختران در سالهاي اخير در پایه اول از سال ۸۲-۱۳۸۱ تا ۸۶-۱۳۸۵ تقريباً ثابت و در حدود ۴۶ درصد بوده است. اما از نظر رشته هاي تحصيلي خاص، رشته علوم تجربي در صدر قرار دارد به نحوي که نسبت دختران در سال ۸۶-۱۳۸۵ به ۶۶/۳ درصد ارتقاء يافته است.

به همين ترتيب در سال ۸۶-۱۳۸۵ دانش آموزان دختر دبیرستانی رشته علوم انساني ۶۰ درصد، علوم رياضي ۴۳/۲ درصد، رشته کار و دانش ۴۰/۳ درصد و رشته هاي فني و حرفه اي ۳۴/۵ درصد کل دانش آموزان اين رشته ها بوده اند.

بنابراين ملاحظه مي شود که دختران ما، در دوره متوسطه، گرايش بيشتري براي تحصيل در رشته هاي علوم تجربي و علوم انساني دارند و در رشته هاي ديگر نيز درصدهاي مطلوبي را به خود اختصاص داده اند.

دوره پيش دانشگاهي، تنها دوره تحصيلي است که از ابتدائي اجراي آن، نسبت دختران در آن بيش از پسران دانش آموز بوده است. علت اصلي اين امر، خروج بيشتري دانش آموزان پسر در پايان دوره متوسطه از سيستم آموزش رسمي و پيوستن آنان به بازار کار يا دوره هاي آموزش غيررسمي مي باشد. در سال ۷۶-۱۳۷۵ نسبت دختران در اين دوره، ۵۴/۳ درصد بوده و تا سال ۸۱-۸۰ به ۶۱/۷ درصد بالغ گرديده است. بر طبق آخرين آمار در سال ۸۶-۱۳۸۵ توزيع نسبي دختران نسبت به

کل دانش آموزان این دوره ۶۳ درصد بوده است .
گرایشهای تحصیلی دوره پیش دانشگاهی شامل رشته های علوم ریاضی، علوم تجربی، علوم انسانی و هنر است .

بررسی روند تغییر نسبت دختران در دوره پیش دانشگاهی به کل دانش آموزان این دوره در سالهای اخیر نشان می دهد که تعداد آنها در پنج سال گذشته در رشته های تحصیلی مختلف، تغییرات محسوسی داشته است .

در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ حضور دانش آموزان دختر در رشته هنر، با بالاترین نسبت و معادل ۹۱/۸ درصد بوده است و در مرتبه های بعدی به ترتیب در رشته علوم تجربی ۷۲/۱ درصد، در گروه علوم انسانی ۶۹/۴ درصد و در علوم ریاضی ۴۶/۷ درصد کل دانش آموزان این دوره را دختران تشکیل داده اند.

بدیهی است افزونی تعداد دانش آموزان دختر در دوره پیش دانشگاهی، تقاضای آنان را برای ورود به دوره های عالی بیشتر از پسران ، بدنبال خواهد داشت .

دوره های استثنایی آموزش و پرورش، شامل آموزشهای است که به دانش آموزان ویژه ارائه می شود. دانش آموزانی که به هر دلیل از قبیل ناتوانی عضوی یا هوشی و یا سرآمدی و توانمندیهای برجسته در سیستم جداگانه ای نسبت به قالب عمومی، آموزش می بینند، در این دوره ها تربیت می شوند. دانش آموزان نخبه نیز در آمار این سیستم قرار دارند. مقاطع تحصیلی استثنایی شامل پیش دبستانی، ابتدایی، مهارتهای حرفه ای، راهنمایی و متوسطه (پیش دانشگاهی) است .

در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، نسبت دختران در دوره پیش دبستانی، ۵۸ درصد کل فراگیران این دوره می باشد. این نسبت در دوره ابتدایی، ۶۰ درصد، در دوره مهارتهای حرفه ای، ۶۵ درصد، در دوره راهنمایی، ۵۳ درصد و در متوسطه و پیش دانشگاهی، ۵۴ درصد است . بنابراین در کلیه دوره های آموزش استثنایی نیز، توزیع نسبی دختران دانش آموز از پسران، بیشتر بوده است.(همان)

حدود ۵۰ سال پیش، ۴۷ نفر دختر در دوره های دانشسرای عالی حضور داشتند که این عده، ۱۱/۹ درصد کل دانشجویان این دوره را در برمی گرفت. بیست سال بعد در سال تحصیلی ۵۶-۵۵ این نسبت به ۴۸/۸ افزایش یافت. در سال ۶۶-۶۵ این نسبت رو به کاهش گذاشت و به ۲۳/۸ درصد کل دانشجویان رسید .

به دلیل تداوم نسبی فعالیت مراکز تربیت معلم، در سال تحصیلی ۷۹-۷۸ تعداد کل دانشجویان در این دوره ها افزایش چشمگیری داشته ولی نسبت دختران در این دوره ها به ۳۶/۷ درصد کاهش پیدا کرد. پس از این سال، تعداد کل دانشجویان، با نوساناتی رو به کاهش گذاشته و بالاخره در آخرین آمار موجود مربوط به سال تحصیلی ۸۶-۸۵، نسبت دختران به کل، ۴۳/۱ درصد گزارش شده است. به نظر می رسد تعداد زیادی از دختران داوطلب تحصیل در این دوره ها، به آموزش عالی، تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که متولی آموزش عالی کشور است، راه پیدا کرده اند زیرا دانشجویان دختر در دوره های عالی، به طور روز افزونی افزایش داشته است (همان).

روند تحولات شاخص های کمی مربوط به کادر آموزشی زن در آموزش و پرورش

در جمهوری اسلامی ایران، معلم از جایگاه رفیعی برخوردار است. امام خمینی «ره» در پیامی، معلمی را شغل انبیاء اعلام فرمودند و آثار تربیتی معلمان را مشابه آثار هدایت و تربیت پیامبران برشمردند.

بر اساس تعالیم دین اسلام، معلمان با تجهیز به تقوی و علم می توانند در انتقال علم و مواریت فرهنگی، تأثیری شگرف داشته باشند. با توجه به گستردگی آموزش زنان در سطوح مختلف تحصیلی، و به تبع آن تعداد بیشتر معلمان کشور، می توان به اهمیت و فراوانی این تأثیرات پی برد.

کارکنان آموزش و پرورش، بیشترین تعداد شاغلان دولتی را تشکیل می دهند. ۷۰/۶۶ درصد شاغلان دولتی کشور در پایان سال ۱۳۸۴، در وزارت آموزش و پرورش، حضور داشته اند .

تعداد کارکنان زن آموزش و پرورش در سال ۸۴-۱۳۸۳، ۵۲۷۴۳۳ نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به سه دهه گذشته ۲۹۷/۳ درصد افزایش داشته است. بطوریکه تعداد کارکنان زن آموزش و پرورش در حال حاضر افزون بر کارکنان مرد این وزارتخانه است.

توزیع نسبی کارکنان زن آموزش و پرورش نسبت به کل کارکنان آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، ۵۰/۴ درصد برآورد شده است و در حال حاضر بیش از نیمی از کارکنان آموزش و پرورش را زنان تشکیل می دهند که این رقم نسبت به سه دهه گذشته ۳/۲ درصد افزایش داشته است.

ارتقای توانایی و مهارت حرفه ای معلمان، با تدوین استانداردهای حرفه ای معلم از جهت دانش، رفتار و عملکرد با استفاده از تجارب بین المللی و شرایط بومی کشور، یکی از برنامه هایی است که در قانون برنامه چهارم توسعه، پیگیری می شود.

دوره های آموزش عالی

دانش آموزان ما پس از طی دوره پیش دانشگاهی، با شرکت در آزمون همگانی و قبولی در آن، به دانشگاهها وارد می شوند. آموزش عالی در کشور ما در دو بخش دولتی و آزاد (خصوصی) متمرکز است. مقاطع تحصیلی دانشگاهی، شامل دوره های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا است.

روند تحولات شاخص های کمی مربوط به ورودی دختران به آموزش عالی کشور

تعداد پذیرفته شدگان زن در مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، ۳۹۰۳۰۶ نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به سال ۷۶-۱۳۷۵، ۹۶/۱۹۲ درصد و نسبت به سه دهه گذشته ۲۷ برابر شده است.

توزیع نسبی پذیرفته شدگان زن در مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد نسبت به کل پذیرفته شدگان در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، ۵۴/۷۸ درصد بوده است که این رقم نسبت به سه دهه گذشته ۱۵/۷۷ درصد افزایش داشته است.

لازم به ذکر است بر اساس آخرین آمار، درصد پذیرفته شدگان زن در مراکز آموزش عالی دولتی در سال ۸۶-۱۳۸۵ برابر با ۶۳/۲۲ درصد کل پذیرفته شدگان بوده است.

تعداد دانشجویان زن در مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، ۱۲۳۶۶۲۲ نفر برآورد شده است که این رقم نسبت به سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵، ۱۶۸/۹۱ درصد و نسبت به سه دهه گذشته بیش از ۲۴ برابر شده است.

توزیع نسبی دانشجویان زن مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد نسبت به کل دانشجویان در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴، ۵۱/۵۶ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به سه دهه گذشته ۲۱/۷۶ درصد افزایش داشته است.

لازم به ذکر است درصد دانشجویان زن در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ در دانشگاههای دولتی ۵۵/۱۵ درصد و در دانشگاه آزاد اسلامی ۴۸ درصد بوده است.

تعداد دانش آموختگان زن مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، ۱۷۶۲۳۹ نفر گزارش شده است که این رقم نسبت به سال ۷۶-۱۳۷۵، ۹۶/۲۰۸ درصد و نسبت به سال ۵۶-۱۳۵۵، ۱۳ برابر افزایش یافته است.

توزیع نسبی دانش آموختگان زن در مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی و آزاد نسبت به کل دانش آموختگان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳، ۴۹/۹۸ درصد برآورد شده است که این رقم نسبت به سال ۷۶-۱۳۷۵، ۱۰/۸۷ درصد و نسبت به سال ۵۶-۴۷، ۲۰/۱۳۵۵ درصد افزایش داشته است.

لازم به ذکر است درصد فارغ التحصیلان در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ در دانشگاه‌های دولتی ۹/۷۲ درصد و در دانشگاه آزاد اسلامی ۲۶/۵۰ درصد بوده است. داده‌های آماری بیانگر آن است که در سال‌های قبل اگر چه تعداد پذیرفته شدگان زن و حتی دانشجویان زن نسبت به مردان افزایش یافته بود، لکن تعداد زنان دانش‌آموخته هنوز کمتر از مردان بوده و این مسئله ناشی از آن بود که تعدادی از دانشجویان دختر تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها می‌کردند. لکن در آخرین سال اخذ اطلاعات این شاخص نیز به مرز پنجاه درصد نزدیک شده است و در مورد دانشگاه آزاد اسلامی از پنجاه درصد نیز فراتر رفته است، بدین معنی که در دانشگاه آزاد اسلامی پسران دانشجو بیشتر تمایل به ترک تحصیل داشته‌اند.

بر اساس آمار سال ۸۵-۱۳۸۴ توزیع نسبی دانشجویان زن در مقطع کارشناسی بیش از سایر مقاطع و معادل ۵۷ درصد کل دانشجویان این مقطع است.

به همین ترتیب نسبت دانشجویان دختر در مقطع کاردانی معادل ۴/۶۵ درصد و نسبت دختران دانشجوی کارشناسی ارشد ۳۸/۲۶ درصد و نسبت دختران دانشجوی دکتری به ۳۶ درصد دانشجویان کل این مقاطع می‌باشد.

بر اساس آمار ۸۵-۱۳۸۴ توزیع نسبی زنان دانشجو در گروه عمده رشته تحصیلی پزشکی بیش از سایر رشته‌ها و در دانشگاه‌های دولتی و آزاد نسبت این دسته از دختران دانشجو به کل دانشجویان این رشته ۸۸/۹ درصد است.

به همین ترتیب نسبت دانشجویان دختر در رشته علوم پایه ۷۱ درصد، دانشجویان دختر در رشته هنر ۶۳ درصد، دانشجویان دختر در علوم انسانی ۶۲/۵ درصد، دانشجویان دختر در رشته کشاورزی ۲۸/۴۵ درصد و دانشجویان دختر در رشته فنی و مهندسی ۲۴/۱ درصد کل دانشجویان این رشته‌ها می‌باشد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود در جمهوری اسلامی ایران گرایش تحصیلی دختران دانشجو به ترتیب در رشته‌های علوم پزشکی، علوم پایه، هنر، علوم انسانی، کشاورزی و دامپزشکی و فنی و مهندسی است.

همچنانکه ماهیت این رشته‌های تحصیلی با ساختار جنسیتی آنان سازگاری بیشتری دارد. از آنجا که در پذیرش دانشجویان زن برای ورود به رشته‌های دانشگاهی، هیچگونه محدودیتی وجود ندارد، انتخاب رشته و تحصیل در گروه رشته‌های فنی و مهندسی و کشاورزی و دامپزشکی، بر اساس گرایش طبیعی آنان بوده و بیانگر علاقمندی کمتر زنان به تحصیل در رشته‌هایی است که از نظر فطری و اجتماعی، تناسب کمتری با ایفای نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان داشته است. همچنین تعدادی از دانشجویان ابراز داشته‌اند که برای احراز توانایی شغلی در بازار کار در این رشته‌ها تحصیل می‌کنند نه الزاماً به این دلیل که به آنها علاقه کافی دارند.

حضور زنان در مقاطع تحصیلی مختلف و گروه عمده رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها، هر ساله در حال افزایش است. از آنجا که یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی برای تصدی مشاغل و تخصص‌های گوناگون است، در ابتدا به نظر می‌رسد این افزایش حضور زنان در مواضع تحصیلی، در نهایت، بازارکار را برای مردان محدود کند. مردان، بنابر قوانین شرع مقدس و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، سرپرست خانواده و مسئول تأمین مخارج آن هستند در حالیکه زنان وظیفه مستقیمی در این باره ندارند. به این معنی که اگر به کاری بیرون از خانه اشتغال داشته باشند، همه درآمد آن متعلق به خودشان است و ضرورتی ندارد که آن را به اقتصاد خانواده وارد کنند.

با این فرض، اشغال مواضع شغلی گوناگون، ممکن است تهدیدی برای اشتغال مردان و ایفای مسئولیت اقتصادی آنان در خانواده شود. این در حالی است که در جمهوری اسلامی ایران، تحصیل زنان در مقاطع عالی، الزاماً برای ورود زنان به بازار کار نیست و تعداد زیادی از زنان با تحصیلات عالی، به بازار کار اجتماعی وارد نمی‌شوند و در حال حاضر بیش از سی درصد شاغلان را زنان تشکیل می‌دهند.

طي تحقيقي که در يکي از استانهاي کشور درباره علل گرايش زنان به آموزش عالي در دهه گذشته انجام شده، زنان نمونه آماری، کسب اعتبار و موقعيت بهتر را مهم ترين عامل تحصيل خود اعلام کرده اند. البته علل ديگري مانند علاقمندي به مشارکتهای سياسي، نگرش فرهنگي اقشار مختلف جامعه به افراد تحصيلکرده (سياستگزاران، رهبران ديني، مديران و ...)، علاقمندي به احراز شغل و نگرش اعضاي نهاد خانواده (والدين و همسر) هم تأثير بسزايي در افزايش انگيزه آنان داشته است. لکن به هر حال، علاقمندي به احراز شغل، در رتبه های پايين انگيزه تحصيلات عاليه آنان قرار دارد. در اين تحقيق، گسترش ارتباطات، کمترین علت گرايش زنان به تحصيل را داشته که از نظر موازين شرع مقدس اسلام نیز در رتبه های پايين ارجمدي فعاليتهاي آموزشي و اجتماعي زنان قرار دارد.

اما بايد اذعان نماييم که براي عده اي از زنان ما نیز تقاضاي نقش خواهي براي نقش آفريني در بخشهاي مديريتي جامعه اعم از مديريت اجرايي يا قانونگذاري در سطوح ملي و محلي وجود دارد اما اين نسبت نقش دهی به زنان، با افزايش تعداد زنان در آموزش عالي، متناسب نيست.

روند تحولات شاخص هاي کمي مربوط به کادر علمي زن در آموزش عالي کشور

با توجه به ميزان مشارکت زنان ما، در کادر آموزشي دانشگاههاي دولتي و آزاد در مراتب گوناگون علمي، اطلاعات آماری زیر مي تواند سهم زنان را در ايفاي نقشهاي علمي-پژوهشي، نشان دهد:

تعداد کادر آموزشي زن در مراکز عالي کشور اعم از دولتي و آزاد در سال تحصيلي ۵۸-۱۳۸۴، ۲۴۵۷۹ نفر گزارش شده است که اين رقم نسبت به سال تحصيلي ۷۶-۱۳۷۵، ۱۵۹/۹ درصد افزايش داشته است.

توزيع نسبي کادر آموزشي زن در مراکز آموزشي عالي اعم از دولتي و آزاد نسبت به کل کادر آموزشي در سال تحصيلي ۸۵-۱۳۸۴، ۲۰/۱۳ درصد گزارش شده است که اين رقم نسبت به سه دهه گذشته ۵/۳۸ درصد افزايش داشته است.

در دانشگاههاي دولتي جمهوري اسلامي ايران ۹/۱ درصد اعضاي هئيت علمي با مرتبه استادي را زنان تشکيل مي دهند، به همين ترتيب ۱۵/۴۱ درصد دانشياران، ۱۵/۶ درصد استاديان، ۲۰/۷۲ درصد مربيان دانشگاهها را کادر علمي زنان تشکيل مي دهند.

در دانشگاههاي آزاد در جمهوري اسلامي ايران ۵/۶ درصد اعضاي هئيت علمي با مرتبه استادي را زنان تشکيل مي دهند، به همين ترتيب ۵ درصد دانشياران، ۱۴/۳۴ درصد استاديان، ۲۲/۶۳ درصد مربيان دانشگاهها را کادر علمي زنان تشکيل مي دهند.

برنامه هاي ارتقاي علمي زنان دانشگاهي

(۱) ارتقاي پوشش جمعيتي:

نسبت جمعیت دانشجویان به جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال، شاخص مهمی در ارزیابی کمی آموزش عالی به شمار می رود. ارتقای پوشش جمعیت دانشجویی به حد مطلوب، تا پایان برنامه چهارم توسعه در قانون برنامه پیش بینی شده است.

(۲) کسب مدارج بالا:

توسعه کمی و کیفی آموزش عالی زنان در کسب مدارج بالا، یکی از اهداف ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی است که در بند سوم اهداف و سیاستهای مشارکت زنان در آموزش عالی، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده و در اجرای آن، کمیت و کیفیت آموزش دانشگاهی زنان، افزایش یافته است.

(۳) بهره گیری مناسب از تخصصها و مهارتها:

یکی از سیاستهای مربوط به اشتغال زنان فارغ التحصیل دانشگاهها، بهره گیری مناسب و تخصصی از مشارکت کمی و کیفی زنان آموزش دیده به عنوان سرمایه های ملی در برنامه های توسعه است. افزایش کمی و کیفی سطح آموزش و مهارتهای اختصاصی زنان و تنوع بخشی به رشته های دانشگاهی متناسب با نقش آفرینی آنان در عرصه های مختلف زندگی، نیز در بند ۲ از فصل دوم این سیاستها گنجانده شده تا میناهای قانونی مناسبی را برای خود کفایی علمی زنان بویژه در رشته های تحصیلی مورد نیاز خود، ایجاد نماید.

(۴) تأسیس رشته های دانشگاهی تخصصی زنان و خانواده:

برای افزایش دانش زنان درباره جایگاه زن و کسب اطلاعاتی درباره حقوق زنان، رشته های تحصیلی ویژه ای طراحی و تأسیس شده است. در حال حاضر ۶ مرکز دانشگاهی، در مقطع کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان، دانشجوی می پذیرد و تعداد زیادی از فارغ التحصیلان این رشته ها در جایگاههای شغلی مناسب خود، جذب شده اند. همچنین در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی مطالعات خانواده در گرایشهای مختلف روانشناسی، جامعه شناسی و... دایر است که سالانه دانشجویان علاقمند را به خود جذب نموده و تا کنون تعدادی از آنان فارغ التحصیل شده و در سازمان های اجتماعی، جذب شده اند. این پیگیری ها بر اساس یکی از سیاستهای ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی است که توسعه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی خاص زنان را الزامی نموده است.

(۵) مشارکت در سیاستگذاری و تصمیم گیری:

حضور زنان در مدارس، دانشگاهها و مراکز مختلف آموزشی به آنان فرصت می دهد تا بخشی از مهارتهای زندگی را فرا گیرند و تجربه حضور در عرصه های عملی نهادهای اجتماعی را به دست آورند. این امر متعاقباً آنان را در مراحل بعدی زندگی در ایفای نقشهای متنوع اجتماعی به عنوان مادر در امر تربیت فرزندان یا نیروی انسانی ماهر و متخصص در عرصه کار و مدیریت و به عنوان یک شهروند مسئول و آگاه و سرمایه انسانی، مستعدتر و تواناتر می کند. زنان نیروی شتاب دهنده توسعه اند. حضور آنان در مواضع آموزشی فرصت مغتنمی است برای پیشبرد برنامه های توسعه و نقش موثری در کنترل پیامدهای بی ثبات کننده ناشی از توسعه و بویژه در کنترل پیامدهای موسوم به شوکهای فرهنگی توسعه ایفا می کند.

در کشور ما برای پیگیری و استیفای حقوق همه جانبه زنان در کلیه عرصه های فردی، خانوادگی و اجتماعی، منشور جامع حقوق و مسئولیتهای زن در جمهوری اسلامی ایران به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است. در فصل دوم این منشور، حق مشارکت بانوان در سیاستگذاری و تصمیم گیری و مدیریت های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و خارجی مورد تاکید قرار گرفته و در سازمانهای ذیربط، تحقق آن پیگیری می شود. زنان ما، بویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی، شایستگیهای خود را برای سهم شدن در اداره امور فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی به اثبات رسانده اند و روزه روز برای تربیت و انتصاب مدیران لایق و متخصص زن، برنامه ریزی و سرمایه گذاری می شود.

همچنین برای ارتقای سطح علمی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی زنان در دانشگاهها، دوره های تخصصی و فرصتهای مطالعاتی کوتاه مدت و دراز مدت اجرا می گردد.

(۶) تشکیل انجمن های علمی و توسعه ارتباط های بین المللی:

به دنبال حمایت از تشکیل و توسعه انجمن های علمی زنان، بویژه در دو دهه اخیر، زنان متخصص با تاسیس انجمن های علمی، مشارکت بیشتری در توسعه علم و کاربردهای آن دارند. توسعه و تسهیل ارتباط علمی اعضای هیات علمی و محققین و دانشجویان تحصیلات تکمیلی زن با دانشگاهها و مجامع علمی خارج از کشور مورد حمایت دولت قرار گرفته است و استفاده بهینه از تجارب علمی و فرهنگی زنان دانشگاهی و حوزوی در مجامع ملی و بین المللی، در برنامه ها و ساختارهای مرتبط، پیگیری می شود.

توسعه تحقیق و پژوهش زنان

در منشور حقوق و مسئولیتهای زن، "حق بهره مندی از حمایت آثار علمی- پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت زنان"، مطرح شده، در برابر این حق، زنان برای "ارائه دیدگاه و تبیین دستاوردهای مثبت دینی و ملی در زمینه مسائل زنان به جهانیان" مسئولیت دارند و برای تبیین و حفظ و اشاعه این دیدگاهها تلاش می کنند.

"توسعه مشارکت اعضای هیات علمی و دانشجویان زن در برنامه های تحقیقاتی دانشگاهها و مراکز پژوهشی و فعالیتهای مربوط به پارکهای فناوری و شرکت های تحقیقاتی"، نمونه استراتژی هایی است که در حوزه تحقیق و پژوهش پیگیری می شود.

زنان ما با پشتیبانی های علمی، در کشف و اختراع تازه های علمی و انتشار مقالات علمی در عرصه های بین المللی مشارکت فعالی داشته اند.

علاوه بر گسترش مشارکت تحقیقی در رشته های مختلف علوم، جمهوری اسلامی از توسعه پژوهش در زمینه مسائل مربوط به زنان نیز پشتیبانی می کند. در این راستا "اصول و مبانی تحقیقات مسائل زنان"، تدوین شده و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده و سازمانهای مرتبط موظف شده اند که برای اجرای آنها، همکاری و هماهنگی داشته باشند. هدف از تصویب و اجرای این اصول و مبانی، "جهت دهی، گسترش و هماهنگی تحقیقات مسائل زنان بر اساس مبانی اعتقادی نظام اسلامی به منظور اعتلای شخصیت زن و رفع نیازها و تنگناهای موجود در جامعه" بوده است. بر این اساس تاسیس و تصویب و اجرای طرحهای تحقیقی بی شمار در پژوهشکده های مختص موضوعات مربوط به امور زنان به صورت دولتی و خصوصی، مورد حمایت قانونی و مالی قرار گرفته است.

در بخش سیاست های مبتنی بر هدف فوق، نکات زیر مورد تاکید قرار گرفته و زمینه های اجرایی آن فراهم شده است:

• توسعه منابع و امکانات تحقیقات مسائل زنان، تربیت نیروی انسانی محقق و حمایت از گسترش مراکز تحقیقاتی و خدمات علمی و اطلاع رسانی ویژه موضوعات زنان.

• هماهنگی، نظارت و ارزیابی تحقیقات مسائل زنان در راستای تحقق برنامه های توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور و رفع مشکلات زنان.

• گسترش فرهنگ تحقیق در زمینه مسائل زنان و تقویت نقش زنان محقق دانشگاهی .

نمونه راهکارهایی که برای اجرای سیاستهای فوق، پیش بینی شده، در نکات زیر قابل ذکر است:

• تعیین شاخصهای رشد فرهنگی اجتماعی زنان در چارچوب ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور.

• شناسایی مراکز تحقیقاتی موجود در زمینه مسائل زنان و حمایت از آنان در ابعاد مختلف.

• شناسایی، تشویق و تقدیر محققین و صاحب نظران برجسته در مسائل زنان بویژه زنان.

• گسترش همکاری های بین المللی و تبادل اطلاعات علمی- تحقیقاتی مسائل زنان از طریق ایجاد مراکز علمی و پیوستن به مجامع منطقه ای و بین المللی در ایران.

• تلاش به منظور تخصیص عادلانه امکانات و اعطای مسئولیت های پژوهشی به بانوان.

• توجه به پدیده جهانی شدن و پیامدهای مثبت و منفی آن در حوزه های مربوط به زنان از طریق تحقیقات ارائه راهکارهای مناسب برای حفظ و تقویت هویت اسلامی و ملی زنان.

با فراهم شدن بسترهای قانونی فوق، برنامه ریزی و تامین اعتبار برای اجرای کلیه تحقیقات مرتبط با مسائل زنان تحت چارچوب های سیاستگذاری شده انجام می گیرد.

بانوان محقق ما برای تبیین و تحقق جایگاه شایسته زنان از این فعالیتهای استقبال نموده و به انجام پروژه های بیشمار پژوهشی در این موضوعات، مشغول هستند.

منبع : امور زنان و خانواده شرکت آب منطقه ای سیستان و بلوچستان